

متن پرسش

سلام علیکم استاد عزیز: ایام تسلیت. خواستم در مورد موضوعی که درگیرش بودم حضوری خدمتتون برسم اما راستش خجالت کشیدم و ترجیح دادم اینجا با شما مطرح کنم. حاج آقا می خواهم خیلی صریح و راحت دردم را به شما بگویم تا مثل همیشه طیب وار مرهمی بگذارید به دلم که سوخت در این مدت ولی روی حرف زدن نداشت. نمی دانم محسن حججی با شما چه کرد؟ محسن همه ی به هم ریختگی های مرا به هم ریخت، قبل از اینکه حاج حسین یکتا این حرف را بزند خودم به روی خودم نمی آوردم اما راستش منم اولش حس کردم دارم غبطه می خورم بعدش دیدم انگار حسادته، بعدش دیدم از محسن بدم آمده، حس اون پادشاهی را دارم که در عین عریان بودنش فکر می کرد لباس زیبایی بر تن داره اما پسر بچه ای اونو به خودش آورد. محسن همه ی حال بدم را بدتر کرد، به خیال خودم داشتم سلوک می کردم ، این کتاب را بخونم از اون استاد سوال کنم؛ خلاصه محسن آمد و با همه ی سر و صدا و ادعاهایی که داشتم خاموش شدم و یه گوشه خزیدم، از خودم بدم آمده از خودم خجالت می کشم، چند سال انگار خودم را سرکار گذاشتم ؛ داشتم از تشییع محسن برمی گشتم به این فکر می کردم که از سر بگیرم اما نمیدونم چه جوری، از کجا، با چی؟ انگار این راه، راه معرفتی نیست فقط قلبه. قلب، نمیدونم اما اینو بگم که احساس هیچ بودن عمیقی کردم با ظهور محسن. سخنرانی روز تاسوعا و شب عاشورای شما هم شرکت کردم بلکه پیدا کنم گمشده ام را، اما تازه گیج تر شدم، من کجای این ظرفیت قرار دارم، چه جوری پیدا کنم راهی را که محسن رفت؟ عاجز شده قلبم، خیلی خواستم توی ده شب محرم پیدا کنم، خیلی به حضرت اباعبدالله (علیه السلام) متوسل شدم، همه ی اشک هام را با محسن همراه کردم، دیگه نمیدونم باید چکار کنم؟ محتاج دعای خیرتون هستم. یا زهرا.

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: عرض همیشگی بنده آن است که انقلاب اسلامی حقیقت دوران ما است کافی است نسبت خود را با انقلاب اسلامی و ولایت فقیه درست شکل دهیم تا مبادی میل ما شکل صحیحی به خود بگیرد، بقیه اش به دست خدا است که چه پیش می آید و چه پیش می آورد و ما به مدد او چه انتخابی خواهیم کرد. موفق باشید